



The University Of Tehran Press

Woman in Culture and Arts

The Economic Activities of Atossa Based on the Persepolis Tablets

Hedieh Eskandari¹  | Hossein Badamchi² 

1. M.A. of Ancient Iranian History, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: hedieh.eskandari@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: hbadamchi@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 3 May 2025

Received in revised form: 10 August 2025

Accepted: 25 January 2026

Published online: 30 March 2026

Keywords:

Achaemenid Women, Atossa, Darius the Great, Persepolis Tablet, Xerxes I.

ABSTRACT

Atossa, the daughter of Cyrus the Great and the wife of both Cambyses and Darius I, is one of the most prominent and influential ladies of the Achaemenid Empire. She played a notable role in the economic and social structures of her era. In order to provide a more comprehensive understanding of her life and position within the imperial system, this study relies on recent archaeological discoveries, particularly the Persepolis Fortification Tablets. The research endeavors to present a more impartial and evidence-based portrayal of Atossa by contrasting these sources with Greek historical narratives. The study demonstrates that Atossa was significantly more than the ambitious, scheming figure depicted in Greek accounts, utilizing a library-based method and content analysis of historical documents. Instead, she is revealed as a competent, responsible, and efficient administrator. She supervised flourishing economic workshops, oversaw the distribution of rations, and managed extensive estates through a network of agents. Her actions imply a high level of trust and respect within the Achaemenid court, as well as strong organizational skills. Additionally, the succession of Xerxes I is analyzed in the context of these findings. Contrary to Atossa's allegations of manipulation, the evidence suggests that Darius I made a deliberate decision to select Xerxes based on his qualifications. This study underscores the importance of epigraphic sources in the reconstruction of a more precise historical narrative, one that challenges conventional, frequently biased, accounts and restores a more comprehensive understanding of the roles of women in the Achaemenid world by concentrating on Atossa's economic and social responsibilities.

Cite this article: Eskandari, H., & Badamchi, H. (2026). The Economic Activities of Atossa Based on the Persepolis Tablets. *Woman in Culture and Art*, 18(4), 125-143.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2026.394473.2152>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2026.394473.2152>

پرتال جامع علوم انسانی



انتشارات دانشگاه تهران

زن در فرهنگ و هنر

فعالیت‌های اقتصادی آتوسا بر اساس الواح تخت جمشید

هدیه اسکندری^۱، حسین بادامچی^۲۱. کارشناس ارشد تاریخ باستان ایران، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hedieh.eskandari@ut.ac.ir۲. نویسنده مسئول، حسین بادامچی، دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: hbadamchi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: آتوسا، الواح تخت جمشید، خشایارشا، داریوش بزرگ، زنان هخامنشی.</p>	<p>آتوسا، دختر کوروش بزرگ و همسر کمبوجیه و داریوش اول، یکی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین زنان دوران هخامنشی به‌شمار می‌رود که در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی نقش چشمگیری ایفا کرد. این پژوهش با تکیه بر یافته‌های تازه باستان‌شناسی، به‌ویژه تحلیل الواح گلی تخت جمشید، تصویری روشن‌تر از زندگی و نقش آتوسا ارائه می‌دهد. همچنین با مقایسه این داده‌ها با روایت‌های مورخان یونانی، تصویری بی‌طرف و واقع‌گرایانه از او ترسیم می‌کند. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و با تحلیل محتوای اسناد تاریخی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد برخلاف تصویر اغراق‌آمیز منابع یونانی که آتوسا را زنی جاه‌طلب، توطئه‌گر و مداخله‌گر در سیاست معرفی کرده‌اند، او مدیری کارآمد و مسئولیت‌پذیر بود که از طریق شبکه‌ای از کارگزاران، املاک وسیع خود را اداره می‌کرد، جیره‌ها را توزیع می‌کرد و بر کارگاه‌های اقتصادی پررونق نظارت داشت. آتوسا در ساختار درباری هخامنشی، نقشی فعال و معتبر داشت و زندگی‌اش مطابق با سنت‌ها و هنجارهای رایج در دربار بود. از سوی دیگر، انتخاب خشایارشا به‌عنوان جانشین داریوش، برخلاف ادعای برخی منابع یونانی، نتیجه سنجش دقیق شایستگی‌های او و تصمیم مستقیم داریوش بود، نه حاصل دسیسه‌چینی آتوسا. درنهایت، این پژوهش با تمرکز بر جایگاه اجتماعی و اقتصادی آتوسا، اهمیت توجه به منابع کتیبه‌شناختی را برجسته می‌سازد و نقش آن‌ها را در بازسازی واقع‌بینانه تاریخ نشان می‌دهد.</p>

استناد: اسکندری، هدیه و بادامچی، حسین (۱۴۰۵). فعالیت‌های اقتصادی آتوسا بر اساس الواح تخت جمشید. زن در فرهنگ و هنر، ۱۸(۴)، ۱۲۵-۱۴۳.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2026.394473.2152>

DOI: <http://doi.org/10.22059/jwica.2026.394473.2152>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

آتوسا، دختر کوروش بزرگ، همسر کمبوجیه^۱ و داریوش اول و مادر خشایارشا، یکی از برجسته‌ترین زنان عصر هخامنشی است که نام او در منابع ایرانی و یونانی به فراوانی آمده است. نام آتوسا در فارسی باستان اوتتوتَه (Utauθa)*، در یونانی آتوسا (Αττούσα)، در عیلامی اودوسَه (Udusa) و در اوستایی هوتتوسا (Hutaosā)* آمده است. او بزرگ‌ترین دختر کوروش بزرگ، همسر کمبوجیه و داریوش اول و مادر خشایارشا بود (Hallock, 1969: 776; Stolper, 2018: 451). نام آتوسا در میان الواح باروی تخت جمشید و متون یونانی، جایگاه برجسته‌ای دارد و معنای آن «بانوی سخاوتمند» است (Tavernier, 2007: 212). آتوسا از داریوش چهار پسر به دنیا آورد که بزرگ‌ترین آن‌ها خشایارشا بود. سه پسر دیگر به نام‌های هیستاسپ (ویشتاسپه)^۲، ماسیسته^۳ و هخامنش^۴ نیز از فرماندهان مهم بودند. هیستاسپ فرمانده نیروهای باختری و سکاها در ارتش خشایارشا، ماسیسته یکی از فرماندهان ارتش خشایارشا در حمله به یونان و هخامنش در باسالار ناوگان مصر بود (Herodotus, 7.2, 7, 64). این تحقیق در پی آن است تا جایگاه اقتصادی و اجتماعی آتوسا را براساس داده‌های ایرانی ترسیم کند و نشان دهد او مانند سایر زنان برجسته هخامنشی نظیر ایرتشدونه^۵ و ایردبمه^۶، از دارایی‌های گسترده‌ای برخوردار بوده و در اداره املاک، مدیریت منابع انسانی و نظارت بر کارگزاران، نقشی فعال و مؤثر داشته است. تا پیش از این، در کتاب الواح باروی تخت جمشید^۷، تنها دو لوح مرتبط با آتوسا به شماره‌های PF 0162 و PF 0163 وجود داشت. لوح شماره PF 0162 نشان می‌دهد در سال بیست و دوم پادشاهی داریوش (۵۰۱ قبل از میلاد) ۴۰۰۰ لیتر «کوروسم ترمو»^۸ به حساب «هکیشتیپیره»^۹ واریز شده است (Hallock, 1969: 117). در لوح

۱. یونانیان، به‌ویژه هرودوت، مدعی‌اند که کمبوجیه با خواهرش آتوسا ازدواج کرد و بدین‌سان رسم ازدواج با محارم را در ایران بنیان نهاد (Herodotus, 3.88). این روایت که با تأیید موبدان همراه دانسته شده، بیشتر بازتابی از دشمنی فرهنگی یونانیان با ایرانیان است تا واقعیتی تاریخی. ریچارد فرای این اتهام را ساختگی و برخاسته از اغراض سیاسی و فرهنگی یونانیان و مصریان می‌داند (Frye, 2009: 159).

2. Hystaspes

3. Masistes

4. Achaemenes

5. šršašuna

6. Irdabama

7. Persepolis Fortification Tablets

۸. کوروسم ترمو (Kurrsu Tarmu) احتمالاً برای اندازه‌گیری مایعات، به‌ویژه روغن یا شراب کاربرد داشته است (Hallock, 1969: 717).

9. Haklppprra

PF 0163 ثبت شده است که در همان سال (۵۰۱ قبل از میلاد)، هزار لیتر «هدتیش ترمو»^۱ و ۱۵۰۰ لیتر «کوروسم ترمو»، به حساب «مدتسه»^۲، یکی از کارگزاران آتوسا، واریز شده است (Hallock, 1969: 117). این غلات به ملکه آتوسا تعلق داشت و احتمالاً برای حقوق کارمندان، کارگران یا حتی برپایی ضیافت‌های پرجمعیت به کار می‌رفت. در تحقیقات جدید استولپر^۳ (۲۰۱۸)، چهار لوح جدید از الواح تخت‌جمشید شناسایی شده که به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی آتوسا در میان سال‌های ۵۰۴ تا ۵۰۰ قبل از میلاد تعلق دارند. این اسناد شامل هفده اشاره به نام «اودوسه» (آتوسا) هستند و نشان می‌دهند او در تقسیم جیره‌ها، به ویژه برای کارگران روزمزد و زنان باردار و تازه‌زایمان، مستقیماً نقش داشت و عدالت اجتماعی را رعایت می‌کرد. همچنین فعالیت‌های اقتصادی آتوسا تحت نظارت دقیق ثبت می‌شدند و او باید پاسخگوی امور مالی دربار هخامنشی می‌بود. سه لوح از این مجموعه (Fort. 0328, Fort. 0290, Fort. 2173) به ثبت پرداخت‌های متوالی شراب و غله در روستای آنترنیتیش^۴ در دوره ۵۰۳ تا ۵۰۲ قبل از میلاد می‌پردازند. سند چهارم (Fort. 0590-101) جدول‌های ثبت درآمد، هزینه‌ها و موجودی غله را در دوره حسابرسی ۵۰۴ تا ۵۰۲ قبل از میلاد ثبت کرده است. این الواح، نام آتوسا را به‌طور مکرر در فهرست‌های تخصیص جیره‌ها و منابع به افراد مختلف ذکر کرده‌اند (Stolper, 2018: 460-463).

پرسش اصلی این است که این اسناد چگونه شناخت مورخان را از جایگاه واقعی آتوسا در ساختار اداری و اجتماعی تخت‌جمشید دگرگون می‌کنند. نخست، این کتیبه‌ها شکل عیلامی نام «اودوسه»^۵ را روشن می‌کنند که در واقع همان تلفظ ایرانی نامی است که در منابع یونانی به صورت «آتوسا» ثبت شده است. در فهرست‌بندی هلک^۶ (Hallock, 1969: 766)، نام آتوسا به صورت «اودوسنه»^۷ ثبت شده که احتمالاً به علت تفاوت املائی SALú-du-sa-na-na در سند PF 0163 با SALú-tam-sa-na در سند PF 0162 بوده است. در بازسازی این نام، هلک به نام «ایرتشدونه» توجه کرده است. او تصور می‌کرد همان‌طور که نحوه نگارش ایرتشدونه با «نه در انتها» است، ممکن است اودوسنه هم این‌گونه نوشته شود. هلک در نهایت نام «اودوسنه» را انتخاب کرد. تاورنیر با پیروی از هلک، این نام

۱. هدتیش ترمو (Hadaiš Tarmu) برای اندازه‌گیری وزن یا حجم غلات و مواد دیگر استفاده می‌شده است (Hallock, 1969: 717).

2. Madabba

3. Matthew Stolper

4. Antaraniš

5. Udusa

6. Hallock, Richard T.

7. Udusana

را به‌عنوان شکل ایرانی (H)utāānā بیان کرده است (Tavernier, 2007: 212). با این حال، در اسناد عیلامی متأخر، نام آتوسا اغلب به‌صورت «اودوسه» و بدون پسوند «-نه» در پایان ثبت شده است. تنها در سه مورد، این نام به شکل «اودوسه» ظاهر می‌شود؛ موضوعی که نشان می‌دهد پسوند «-نه» در زبان عیلامی، وند موصوف‌ساز (پسوند اضافی-توصیفی)^۱ در حالت مضاف‌الیه است و جزئی از ساختار اصلی نام به‌شمار نمی‌رود. از این رو، نمی‌توان SAL-ū-du-sa-na را در این متون به‌عنوان یک اسم ملکی وابسته به واژه پیشین تفسیر کرد، بلکه باید آن را ساختاری مستقل دانست. در این زمینه، پسوند na- در عیلامی دارای کاربرد وسیع‌تر است و عملکردی مشابه نقش داتیو (مفعولی غیرمستقیم) در زبان‌های ایرانی باستان دارد؛ به‌گونه‌ای که معنا و کاربرد آن را می‌توان به‌صورت «برای اودوسه» در متون گوناگون اداری معنا کرد. اگر این نام، واقعاً Udusa باشد، نگارش SAL-ū-du-sa-na-na در PF 0163 یک خطای نوشتاری (dittography) محسوب می‌شود؛ هرچند علائم کتیبه‌ای آن کاملاً واضح‌اند (Stolper, 2018: 451). افزون بر این، هرچند محتوای این اسناد عمدتاً جنبه‌ای حسابرسی دارند و اطلاعات مستقیمی درباره زندگی فرهنگی یا شخصی آتوسا ارائه نمی‌دهند، اما از نظر تاریخی بسیار ارزشمندند. همین داده‌های اقتصادی و اداری، امکان شناخت دقیق‌تری از جایگاه واقعی آتوسا را فراهم می‌کند و تضاد میان واقعیت‌های تاریخی و تصویرسازی‌های یونانی را آشکار می‌سازد. روایت‌هایی مانند گزارش هرودوت (کتاب هفتم، بند ۳)، آتوسا را زنی قدرتمند و سلطه‌جو معرفی می‌کنند؛ تصویری که ریشه در نگاه جنسیت‌زده و ساختار فرهنگی یونان باستان دارد (Herodotus, 7.3). در این متون، زنان درباری اغلب محرک جنگ و توطئه تصویر می‌شوند؛ درحالی‌که شواهد ایرانی، به‌ویژه اسناد کتیبه‌شناختی، چنین نگاهی را تأیید نمی‌کنند (Safaei, 2016: 121, 126). آثار فلسفی‌ای مانند ضیافت افلاطون نیز نشان‌دهنده نگرشی تحقیرآمیز به زنان هستند (Plato, 2002: 112). از سوی دیگر، کمبود منابع مکتوب ایرانی و غیبت زنان در نقش‌برجسته‌های تخت جمشید، نه به معنای بی‌اهمیتی نقش زنان، بلکه عاملی است که موجب برداشت‌های ناقص و جانبدارانه در متون یونانی شده است (Sancisi-Weerdenburg, 1993: 21-22). سوالات اصلی این مقاله عبارت‌اند از: ۱. الواح تخت جمشید چه تصویر واقع‌گرایانه و تازه‌ای از آتوسا ارائه می‌دهند و چگونه به روشن شدن نقش واقعی او در ساختار سیاسی و اقتصادی کمک می‌کنند؟ ۲. تصویر آتوسا در الواح تخت جمشید چه تفاوت‌هایی با روایت‌های یونانی دارد و این تفاوت‌ها چگونه پدید آمده‌اند؟ هدف اصلی این پژوهش، بازنمایی چهره‌ای واقعی و مستند از آتوسا بر پایه شواهد کتیبه‌شناختی تخت جمشید است؛ زنی عادل، سخاوتمند و مدیری توانا که مانند دیگر زنان

درباری هخامنشی، به‌طور مستقل مدیریت اموال و دارایی‌های خود را برعهده داشت. برخلاف روایت‌های تحریف‌شده، آتوسا شخصی منظم، مسئول و دور از دخالت مستقیم در قدرت سیاسی و جانشینی فرزندانش بود.

۲. پیشینه پژوهش

در چند دهه اخیر، بررسی جایگاه زنان هخامنشی، به‌ویژه آتوسا، در تاریخ‌نگاری ایران و مطالعات باستان‌شناسی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. اگرچه آثار متعددی به‌طور پراکنده به این موضوع پرداخته‌اند، بیشتر آن‌ها عمدتاً بر روایت‌های یونانی تکیه کرده‌اند و فقط به تعداد محدودی از اسناد ایرانی، نظیر گل‌نوشته‌های تخت‌جمشید، استناد داشته‌اند. رویکردهای نظری پیشین، عمدتاً بر تحلیل منابع کلاسیک یونانی استوار بوده‌اند و کمتر به بهره‌گیری مستقیم از اسناد ایرانی پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با تکیه بر متون گلی جدید و تحلیل انتقادی منابع، تلاشی تازه برای بازسازی جایگاه حقیقی آتوسا بر پایه شواهد اصیل ایرانی به‌شمار می‌رود. در این میان، اولین اثر شاخص، کتاب *الواح باروی تخت جمشید* نوشته ریچارد هلک (۱۹۶۹) است که تحولی اساسی در مطالعه ساختار اداری و اقتصادی شاهنشاهی هخامنشی و جایگاه زنان دربار ایجاد کرد. هلک در این اثر، براساس متن دو لوح PF 0162 و PF 0163، به شخصیتی با نام «اودوستنه» اشاره کرد. باین‌حال، به‌دلیل محدودیت منابع نتوانست با اطمینان تشخیص دهد که آیا اودوستنه همان آتوسا است یا خیر. از همین رو، از بازسازی شخصیت آتوسا صرف‌نظر کرد.

سانجیزی-ویردنبورخ^۱ (۱۹۹۳) در مقاله «خروج آتوسا: تصاویر زنان در تاریخ یونان درباره ایران» با نگاهی انتقادی به تصویر زنان هخامنشی در متون یونانی، بر لزوم تفکیک روایت‌های اسطوره‌ای از واقعیت‌های تاریخی تأکید کرد. بریان^۲ (۱۹۹۶) در کتاب *تاریخ شاهنشاهی هخامنشی* نیز اگرچه فصلی به زنان هخامنشی اختصاص داد، اما بیشتر بر بازتاب‌های یونانی تکیه کرد و کمتر به تحلیل اسناد ایرانی پرداخت. کخ^۳ (۲۰۰۰) در اثر خود «از زبان داریوش» و ماریا بروسیوس^۴ (۱۹۹۶) در «زنان هخامنشی در ایران باستان»، به وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان سلطنتی پرداختند، اما تحلیل‌های آنان درباره آتوسا براساس داده‌های محدود و اغلب متکی بر برداشت‌های غیرمستقیم از منابع یونانی استوار است.

1. Heleen, Sancisi-Weerdenburg

2. Pierre Briant

3. Heidemarie Koch

4. Maria Brosius

از میان پژوهش‌های داخلی، احمدی (۱۳۸۸) در مقاله «جایگاه آتوسا در تاریخ و اساطیر ایران» به نقش آتوسا در منابع تاریخی و اساطیری پرداخت، اما به دلیل عدم استفاده از منابع جدید نتوانست تصویری مستند بر پایه داده‌های اصیل ایرانی ارائه دهد. در مقابل، هنکلمن^۱ (۲۰۱۰) در مقاله «خشایارشا، آتوسا و بایگانی باروی تخت جمشید» و صفایی (۲۰۱۶) در پژوهش «زنان هخامنشی: به آزمون گذاشتن تصویر یونانی» تلاش کردند تا تصویر زنان هخامنشی را فراتر از روایت‌های یونانی بازبینی کنند. مهم‌ترین منبع دست‌اول پژوهش حاضر، مقاله استولپر (۲۰۱۸) با عنوان «آتوسا دوباره وارد می‌شود: دختر دیگر کوروش در متون باروی تخت جمشید» است. این پژوهش بر پایه انتشار الواح جدیدی از بایگانی تخت جمشید انجام شده و اطلاعاتی بی‌سابقه درباره جایگاه اجتماعی، اقتصادی و اداری آتوسا ارائه می‌دهد. برخلاف آثار پیشین که فقط به دو لوح PF 0162 و PF 0163 استناد می‌کردند و تصویر محدودی از آتوسا داشتند، پژوهش استولپر بر طیف گسترده‌تری از اسناد اتکا دارد و رویکردی مستند و انتقادی به روایت‌های یونانی اتخاذ کرده است. با این حال، تمرکز اصلی مقاله او بر معرفی و انتشار متون عیلامی است و کمتر به تحلیل تاریخی، بازسازی شخصیت آتوسا یا نقد نظام مند روایت‌های کلاسیک پرداخته است. پژوهش حاضر، ضمن بهره‌گیری از همان مجموعه اسناد، رویکردی توصیفی-تحلیلی را برمی‌گزیند تا با اتکا به داده‌های اداری و اقتصادی، جایگاه تاریخی آتوسا را بازسازی کند و تصویری واقع‌گرایانه‌تر از او، در تقابل با بازنمایی‌های یونانی، ارائه می‌کند. از این رو، این مطالعه گامی فراتر از معرفی صرف منابع برمی‌دارد و بر تحلیل الواح گلی تخت جمشید و مقایسه تطبیقی آن‌ها با روایت‌های یونانی تمرکز دارد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

شیوه این پژوهش کتابخانه‌ای، توصیفی-تحلیلی و مقایسه تطبیقی است. ابتدا روایت‌ها و نگاه رایج یونانی که به عنوان تصویر غالب از آتوسا مطرح‌اند، به دقت بررسی و نقد می‌شوند تا مبانی نظری و ادبی آن‌ها واکاوی شود. سپس با اتکا به الواح گلی تخت جمشید به عنوان منابع دست‌اول و مستند، تحلیل‌هایی تاریخی و اجتماعی ارائه می‌شود تا تصویری واقع‌گرایانه‌تر از جایگاه آتوسا شکل گیرد. این رویکرد تطبیقی، امکان سنجش اعتبار و تضاد روایت‌های یونانی با شواهد باستان‌شناسی را فراهم می‌آورد و به بازسازی جامع‌تر شخصیت تاریخی آتوسا کمک می‌کند.

۴. یافته‌های پژوهشی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد اسناد تخت‌جمشید، آتوسا را به‌عنوان مدیری اقتصادی کارآمد با اختیارات مالی گسترده و نظارت مستقیم بر تخصیص منابع معرفی می‌کنند. او در توزیع عادلانهٔ جیره‌ها، حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان و مادران تازه‌زا و مدیریت امور کارگزاران خود، نقش مؤثری داشته است؛ بی‌آنکه نشانه‌ای از دخالت مستقیم در امور سیاسی یا حتی تلاشی برای تثبیت جانشینی فرزند خود در این اسناد دیده شود. در مقابل، منابع یونانی تصویری منفی و اغراق‌آمیز از آتوسا ترسیم می‌کنند که او را زنی توطئه‌گر و مداخله‌گر در مسائل سیاسی، به‌ویژه در موضوع جانشینی ولیعهد، نشان می‌دهند.

۵. بحث

در آغاز این پژوهش، ساختارها و روایت‌های یونانی دربارهٔ آتوسا بررسی شد. این منابع، سه تصویر متمایز از شخصیت او ارائه می‌دهند: مادری حمایتگر، زنی بانفوذ در دربار و شخصیتی توطئه‌گر و جنگ‌افروز. این روایات که عمدتاً در آثار آیسخولوس و هرودوت بازتاب یافته‌اند، بیش از آنکه بر شواهد تاریخی استوار باشند، تحت تأثیر پیش‌داوری‌های فرهنگی یونانیان نسبت به ایرانیان شکل گرفته‌اند. در گام بعد، با تحلیل منابع ایرانی، به‌ویژه گل‌نوشته‌های تخت‌جمشید، تصویری مستند و واقع‌بینانه از آتوسا به‌دست آمد؛ تصویری که او را مدیری اقتصادی توانمند و ناظر بر عدالت اجتماعی نشان می‌دهد، بدون آنکه هیچ نشانه‌ای از مداخله در تصمیمات سیاسی یا تلاش برای تثبیت جانشینی فرزندش در این اسناد مشاهده شود.

۵-۱. باز‌نمایی آتوسا در تاریخ‌نگاری یونانی: بن‌مایه‌های ادبی یا حقایق تاریخی؟

۵-۱-۱. جایگاه و نقش آتوسا در تراژدی «پارسیان» اثر آیسخولوس

تراژدی *ایرانیان*^۱ اثر آیسخولوس یکی از قدیمی‌ترین نمایشنامه‌هایی است که به شکست خشایارشا در جنگ سالامیس^۲ پرداخته است. این اثر تصویری از ضعف و ناتوانی خشایارشا ارائه می‌دهد؛

۱. آیسخولوس (Aeschylus)، نمایشنامه‌نویس یونانی و بنیان‌گذار تراژدی، در حدود ۵۲۵ تا ۴۵۶ قبل از میلاد در آتوسا زاده شد و در چلا (سیسیل) درگذشت. او در نبردهای ماراتون و سالامیس شرکت داشت. از میان حدود ۹۰ نمایشنامه‌اش، فقط هفت اثر باقی مانده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ایرانیان، پرومتئوس در زنجیر و اورستیا اشاره کرد (Mosahab, 1979-2010: 165).

درحالی که روح داریوش به‌عنوان نماد خرد و حکمت ظاهر می‌شود (Cook, 2004: 238-239). پس از شکست، خشایارشا افسرده و نگران است؛ به‌طوری که مادرش، آتوسا، نگران اقدام به خودکشی او می‌شود. آتوسا که نمایندهٔ مهربانی مادرانه است، تلاش می‌کند تا آرامش را به پسرش بازگرداند، اما این تلاش‌ها با تصویری که یونانیان از شاه ایرانی به‌عنوان فردی شجاع و بی‌پروا ارائه می‌دهند، تضاد دارد (Hinze, 2008: 227; Briant, 1999: 861). در این نمایشنامه، آتوسا با سه‌عنوان مختلف معرفی می‌شود: «مادر شاه» (Aeschylus, 150-151)، «شاه‌بانو» (Aeschylus, 152-153) و «مادر خدا» (Aeschylus, 156). عنوان «مادر شاه» بیشتر به جایگاه خانوادگی او اشاره دارد؛ درحالی که «شاه‌بانو» علاوه بر جنبهٔ خانوادگی، تأثیر سیاسی او را نیز نشان می‌دهد. این لقب احتمالاً نشان‌دهندهٔ نفوذ آتوسا در ساختار قدرت هخامنشی است. استفاده از عنوان «مادر خدا» در این نمایشنامه که با باورهای ایرانی مغایرت دارد، نمایانگر نگرش فرهنگی یونانیان است؛ زیرا در ایران باستان، شاهان مقام الهی نداشتند و این نگرش باید بلافاصله رد شود (Brosius, 2010: 26). این القاب بی‌سابقه در تاریخ ایران نشان‌دهندهٔ برداشت‌های یونانیان از زنان در قدرت است (Brosius, 2010: 26). آیسخولوس به‌جای انتخاب آمستریس، همسر خشایارشا، برای اطلاع‌رسانی دربارهٔ شکست سالامیس، آتوسا را برگزید؛ زیرا او نمایندهٔ سه نسل از پادشاهان هخامنشی بود: دختر کوروش، همسر داریوش و مادر خشایارشا. این انتخاب ممکن است به‌دلیل جایگاه ویژهٔ «مادر شاه» در دربار هخامنشی باشد که در ساختار سلسله‌مراتبی از مقام «همسر شاه» برتر بود (Brosius, 2010: 26). نمایشنامهٔ *ایرانیان* اثر آیسخولوس، با بهره‌گیری از نگاه فرهنگی و ذهنیت یونانیان، تصویری تخیلی و اغراق‌آمیز از شخصیت‌های تاریخی ایران، به‌ویژه خشایارشا و آتوسا ارائه می‌دهد. این اثر با نمایش ضعف خشایارشا و برجسته‌سازی نقش حمایتی و سیاسی آتوسا، بازتابی از نگرش یونانی به دشمن شکست‌خورده است و برداشت‌های آنان از ساختار قدرت و جایگاه زنان در دربار هخامنشی را نیز منعکس می‌کند. با اینکه نمایشنامه دارای ارزش ادبی و نمایشی فراوان است، نمی‌توان آن را منبعی معتبر برای شناخت واقعیت‌های تاریخی و فرهنگی دربارهٔ آتوسا دانست.

۵-۱-۲. تأثیرگذاری آتوسا بر سلطنت خشایارشا: نقش مادر در انتخاب فرزند به‌عنوان ولیعهد

مسئلهٔ جانشینی داریوش بزرگ، در آستانهٔ لشکرکشی به مصر و آتن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. طبق قوانین ایران باستان، شاه پیش از هر لشکرکشی باید جانشین خود را تعیین می‌کرد. داریوش سه پسر از همسر نخست خود، دختر گوبریاس^۱، و چهار پسر از همسر دومش آتوسا، دختر کوروش بزرگ،

داشت. در میان پسران، آرتاباز^۱ بزرگ‌ترین پسر از همسر نخست و خشایارشا، بزرگ‌ترین پسر از آتوسا، مدعیان اصلی تاج‌وتخت بودند. آرتاباز به دلیل سن بیشتر شایسته‌تر به نظر می‌رسید، اما مادر خشایارشا آتوسا بود. هرودوت بیان می‌کند که دماراتوس^۲، شاه پیشین اسپارت که به ایران پناه آورده بود، استدلالی مطرح کرد که مطابق سنت اسپارت، تاج‌وتخت باید به فرزندی برسد که پس از جلوس پدر به دنیا آمده باشد. آتوسا به‌عنوان دختر کوروش و زنی بانفوذ در دربار، از خشایارشا حمایت کرد و این امر برتری او را تضمین کرد. هرودوت در این باره می‌گوید: «خشایارشا از سوی مادرش آتوسا، دختر کوروش -مردی که پارسیان آزادی خود را مدیون او بودند- برتر از دیگران بود و بدون این استدلال نیز وارث تاج‌وتخت به‌شمار می‌رفت» (Herodotus, 7.2, 3). با این حال، در کتیبه‌های خشایارشا هیچ اشاره‌ای به نسب مادری یا پدر بزرگ مادری او، کوروش، وجود ندارد.

«خشایارشا گوید: داریوش پسران دیگری داشت؛ به خواست اهورامزدا، داریوش که پدر من بود، پس از خود مرا بزرگ‌ترین کرد. وقتی که پدرم تخت را رها کرد (مرد)، من به خواست اهورامزدا به‌جای پدرم شاه شدم» (XPf,3) (Sharp, 2003: 115).

خشایارشا در کتیبه‌های خود، مانند کتیبه XPf,3، مشروعیت سلطنتی را صرفاً براساس انتقال قدرت از پدر به پسر تأیید می‌کند و اراده خداوند را دلیل انتخاب خود برای جانشینی بیان می‌دارد. به‌علاوه، در شماری از قراردادهای خصوصی به زبان آرامی که به فعالیت‌های یک مباشر در سرزمین‌های بابلی طی سال‌های ۲۱ تا ۲۲ سلطنت داریوش می‌پردازند، از خشایارشا به‌عنوان ولیعهد یاد شده است (Joannes & Lemaire, 1996: 45-46). برخلاف ادعای هرودوت که نفوذ مطلق آتوسا را عامل ولیعهدی خشایارشا می‌داند (Herodotus, 7.2, 4)، بریان معتقد است انتخاب خشایارشا از سوی داریوش با هدف جلوگیری از انتقال قدرت به خانواده گوبریاس بوده است (Briant, 1999: 866). در ساختار هخامنشی، زنان سلطنتی مانند آتوسا، هرچند نقش مهمی در امور اقتصادی و خانوادگی داشتند، اما قدرتشان همواره وابسته به موقعیت سیاسی شاه بود. در این ساختار، عنوان «شهبانوی هخامنشی» به معنای خاص آن وجود نداشت و زنان سلطنتی فقط از طریق نفوذ شخصی و موقعیت خانوادگی خود می‌توانستند اثرگذاری محدودی داشته باشند. اعتبار و نفوذ آتوسا بیشتر از آنکه به دختر کوروش بزرگ بودن وابسته باشد، از جایگاه او به‌عنوان مادر ولیعهد و احتمالاً پس از به‌تخت‌نشستن خشایارشا سرچشمه می‌گرفت (Stolper, 2018: 450). سکوت خشایارشا در کتیبه‌هایش درباره آتوسا نشان‌دهنده تمرکز بر تبار پدری و بی‌ارتباطی مشروعیت سلطنتی با نسب

1. Artabazus
2. Demaratus

مادری است (Brosius, 2010: 69-70). در نهایت، انتخاب خشایارشا برای جانشینی داریوش به نظر می‌رسد بیشتر ناشی از سیاست‌های داخلی و اهداف راهبردی داریوش و عواملی مانند لیاقت و شایستگی خشایارشا بود که با حفظ مشروعیت سلطنتی در خاندان خود و جلوگیری از ادعاهای رقبای احتمالی صورت گرفت. نقش آتوسا، هرچند برجسته به دلیل موقعیت اجتماعی او به عنوان مادر خشایارشا و دختر کوروش، تأثیرگذار نبوده و تصمیم نهایی در این انتخاب، در دست داریوش بوده است (Brosius, 2010: 71).

۵-۱-۳. نقش آتوسا در ترغیب داریوش بزرگ به لشکرکشی علیه یونان

در کتاب سوم هرودوت (بندهای ۱۳۳ و ۱۳۴)، روایتی افسانه‌گونه از بیماری آتوسا، دختر کوروش و همسر داریوش، نقل می‌شود (Herodotus, 3.133, 134). به گفته هرودوت، آتوسا به دلیل زخمی چرکین بر سینه‌اش به دموکدس^۱، پزشک یونانی دربار ایران، مراجعه می‌کند و او به شرط اجرای خواسته‌هایش بدون لطمه به آبروی آتوسا، درمان را آغاز می‌کند. پس از بهبودی، آتوسا در بستر خطاب به داریوش می‌گوید: «با قدرتی که در دست داری، چرا قلمرو خود را گسترش نمی‌دهی» و به طور ضمنی او را به جنگ با یونان ترغیب می‌کند. وی با صراحت توصیه می‌کند که از حمله به سکاها صرف نظر کند و نخست به یونان بتازد؛ زیرا «درباره دختران لاکونی^۲ بسیار شنیده‌ام و می‌خواهم خدمتکارانی از میان دختران آرگوسی^۳، آتنی^۴ و کورینتی^۵ داشته باشم» (Herodotus, 3.134). در این روایت، آتوسا نه تنها به عنوان زنی بانفوذ، بلکه عامل اصلی در تحریک داریوش به لشکرکشی به یونان معرفی شده است؛ تصویری که نمایانگر نگاه بدبینانه مورخ غربی به نقش زنان در دربار هخامنشی است. این تصویرپردازی، برخاسته از پیش‌داوری‌های فرهنگی و مردسالارانه‌ای است که اغلب زنان درباری را نه عاملان تدبیر و سیاست، بلکه دسیسه‌چینانی پشت پرده آشوب‌ها نشان می‌دهد (Sancisi-Weerdenburg, 1993: 25). در واقع، با وجود احترام زیادی که دموکدس در دربار داشت، بعید است توانسته باشد تا این حد در تصمیمات سیاسی تأثیرگذار باشد یا به اسرار خصوصی دربار دسترسی پیدا کند. هرودوت همچنین مدعی است که آتوسا عامل اصلی لشکرکشی داریوش به یونان بود (Herodotus, 3.134 134)؛ در حالی که منابع دیگر مانند خود هرودوت در کتاب پنجم (بندهای ۹۹ و ۱۰۲) تأکید می‌کنند که حمله داریوش به یونان واکنشی به حمایت آن از

1. Democedes
2. Laconia
3. Argos
4. Athens
5. Corinth

شورش ایونی‌ها و تاراج سارد بوده است (Herodotus, 5.99, 102). این گونه روایت‌ها، اگرچه جذاب و دراماتیک‌اند، شواهد مستندی در منابع ایرانی ندارند.

۶. تصویر آتوسا در الواح تخت جمشید

۶-۱. نقش آتوسا در سامان‌دهی نظام جیره‌بندی و توزیع عادلانه منابع در دستگاه اداری داریوش

در الواح تخت جمشید، سه نوع اراضی اصلی ذکر شده‌اند که نقش مهمی در نظام اقتصادی و اداری هخامنشیان ایفا می‌کردند: پرتیش^۱ که زمین‌های حاصلخیز مانند باغ‌ها و اراضی زیر کشت را شامل می‌شد، ایرمتم^۲ که علاوه بر کشاورزی، به‌عنوان حاکم‌نشین و مرکز توزیع تولیدات عمل می‌کرد و اولهی^۳ که به مجموعه‌ای از اراضی و کشتزارها اطلاق می‌شد که تحت اداره رئیس خانه بودند. شاهزاده خانم‌ها، مانند ایرتشدونه، از این اراضی بهره‌برداری می‌کردند (Briant, 1999: 736, 742). طبق گزارش ثبت‌شده، کارگرانی که برای ملکه آتوسا در روستای آتترنتیش کار می‌کردند، در ماه‌های اول و دوم سال بیستم پادشاهی داریوش جیره‌ای معادل مقدار تعیین‌شده دریافت کرده‌اند. این روستا احتمالاً به‌عنوان اولهی به آتوسا واگذار شده بود، و نشان می‌دهد که آتوسا ممکن است در مناطق دیگر نیز املاک وسیعی داشته باشد (Fort. 0290-101: 04'-07'). براساس فرمان کیندکده^۴، به دو نفر از کارگران، روزانه نیم لیتر شراب طی این دو ماه تخصیص داده شده بود. تخصیص این جیره‌ها با دستور و تأیید مستقیم ملکه آتوسا، احتمالاً دستمزد یا برای مقاصد تجاری بود (Fort. 0290-101: 08'-11'). جیره‌ها و پرداخت‌ها اسناد زمین‌داری بابل در دوره هخامنشی نشان می‌دهد افرادی که برای دولت کار می‌کردند، برای انجام خدمات مختلفی مانند خدمت نظامی، صنعتگری، تأمین کالاهای خاص یا سایر وظایف، به دو شیوه مزد دریافت می‌کردند: به‌طور ماهانه جیره‌ای شامل غلات و نوشیدنی و سایر کالاها دریافت می‌کردند یا قطعه‌ای زمین، باغ یا خانه برای بهره‌برداری به آنان واگذار می‌شد (Badamchi, 2016: 256). علاوه بر این، جیره فوق‌العاده شامل اقلامی مانند روغن، گوشت ماهی، فرآورده‌های لبنی، میوه، سبزیجات و آبجو و گاهی شراب بود. این جیره زمانی توزیع می‌شد که کالاها به‌وفور در دسترس بودند یا در مواقع خاص و مراسم‌ها ضروری می‌شدند. این

1. Partetat

2. Irmatam

۳. اولهی (Ulhi) که به مجموعه‌ای از اراضی و کشتزارها اطلاق می‌شد که تحت اداره رئیس خانه بودند.

شیوه پرداخت جیره در سرزمین ایران نیز متداول بود (Badamchi, 2017: 83-84). براساس دستوری دیگر از کیندکده، ده لیتر شراب به فردی به نام هتورمبش^۱ تحویل داده شده است. این شراب به‌عنوان جیره تکمیلی برای میان ده کارگر که با اصطلاح سیتِمپ^۲ توصیف شدند و در همان روستا برای آتوسا فعالیت می‌کردند، توزیع شده است. به هر کارگر، یک لیتر شراب برای مدت یک ماه اختصاص یافته بود (Fort. 0290-101: 12'-16'). سیتِمپ به معنای «در حال به‌دست‌آوردن بهبودی» است و معمولاً به‌عنوان توضیحی در کنار واژه کورتش در الواح ذکر می‌شود (مکاتبه شخصی با یزدان صفایی). در مجموع مقدار شراب پتیشکش^۳ تخصیص یافته برای سال بیست داریوش، شامل سه خمره پانصد لیتری (در مجموع هزار و پانصد لیتر) و یک خمره چهارصد لیتری بوده است (Fort. 0290-101:17'-18'). نکته قابل توجه این لوح آن است که میزان شراب مصرف شده در این سال، به‌طور دقیق ثبت شده است. همچنین باقی مانده شراب به سال بعد منتقل شده و پرداخت‌های آتی براساس این موجودی انجام شده است. این تخصیص‌ها تحت نظارت کیندکده و با دستور آتوسا در ناحیه اَنترتیش صورت می‌گرفت. تحویل‌دهنده^۴ اصلی این جیره‌ها، رمتیش^۵، کارگزار آتوسا بود (Fort. 0290-101:01"-03"). این لوح به‌روشنی نمایانگر این است که نگاه یونانی‌ها به آتوسا که او را از پاسخگویی به دربار معاف می‌داند، اشتباه است. جیره‌ها و مخارج او نه تنها ثبت می‌شد، بلکه اضافات آن‌ها برای سال‌های بعد ذخیره می‌شد. آتوسا با وجود استقلال در پرداخت‌ها و نظارت شخصی، در نهایت باید به دیوان مالی گزارش می‌داد و پاسخگو می‌بود. این امر نشان‌دهنده اهمیت سیستم مالی و عدالت در دربار هخامنشی است (Stolper, 2018: 457).

۶-۲. جایگاه آتوسا در مدیریت نیروی کار و سازمان‌دهی امور کارگران تخت جمشید

در سال نوزدهم پادشاهی داریوش، بیست لیتر غله به‌عنوان جیره ویژه، با دستور مستقیم مردوکه^۶ و براساس سندی رسمی و مهر و موم شده توسط کیندکده، به فردی به نام بکورده^۷ داده شد. این فرد

۱. Haturmabattšš روحانی عالی‌رتبه (Henkelman & Stolper, 2009: 311)

2. Sitmap

۳. paišekaš نوعی پرداخت، هزینه یا کسری که برای مقادیر زیاد شراب اعمال می‌شود (Hallock, 1969: 135; Tavernier, 2007: 444).

۴. در دوره هخامنشی، «تحویل‌دهندگان اولیرا» (Ulira) مسئول گردآوری محصولات به‌عنوان مالیات بودند. آنان نه تنها وظیفه دریافت این کالاها را برعهده داشتند، بلکه گاه در توزیع آن‌ها به‌صورت جیره غذایی یا بذر نیز نقش ایفا می‌کردند (Aperghis, 1999: 188-192).

5. Ramaiš

6. Marduka

7. Bakurada

مأموریت داشت خزانه را از ساتراپی هیرکانی^۱، که در شمال شرق شاهنشاهی هخامنشی واقع شده بود، به روستای آنترتیش در نزدیکی فارس منتقل کند. این سفر طولانی سه ماه و ده روز طول کشید. این رویداد نشانه اهمیت اعتماد به افراد و نظارت کامل ملکه آتوسا بر انجام مأموریت‌ها در سیستم اداری هخامنشی است (Fort. 0895-101: 01-04, 05-07, 06-11). در سال بیست‌ویکم پادشاهی داریوش، یازده هزار و سیصد و شصت‌وهشت لیتر شراب به نام آتوسا و در ماه سوم همین سال، شصت‌وسه لیتر شراب به‌عنوان جیره ماهیانه به سی‌ویک کارگر اسکودرای^۲ تخصیص داده شد. این کارگران تحت نظارت کیندکه در روستای آنترتیش فعالیت می‌کردند. در این گزارش، جزئیات تخصیص و توزیع شراب در نواحی مختلف تحت نظارت کیندکه ثبت شده است (Fort. 0328-101: 02-03). مانند فرمان‌های تخصیص جیره ویژه که ایرتشدونه پیش از این در الواح گوناگونی از خود برجا گذاشته است، آتوسا نیز دستورهای ویژه‌ای برای مادران صادر می‌کرد که به‌عنوان الگویی برای نظارت بر تخصیص منابع و جیره‌ها شناخته می‌شود. ایرتشدونه دستور داده بود که هشتاد لیتر غله از نوع ^۳EEGCG و mitli که توسط پیرتمکه^۳ تهیه شده بود، به‌عنوان جیره روزانه مادران و مسافران به پنج زنی که زایمان کرده‌اند و از طریق جیره امرامعاش می‌کنند، تخصیص داده شود. از این میان، سه زن که فرزند پسر به دنیا آورده بودند، هرکدام بیست لیتر غله دریافت کردند و دو زن دیگر که فرزند دختر به دنیا آورده بودند، هرکدام ده لیتر غله دریافت کردند (PF 1235). مشابه این نوع مدیریت توسط ملکه آتوسا نیز دیده می‌شود؛ زمانی که آتوسا با نظارت کیندکه، سی لیتر شراب به مردی به نام زیبنه^۴ با لقب هتورمبش تحویل داد. این شراب به‌عنوان جیره تکمیلی برای زنانی که فرزند پسر به دنیا آورده بودند، تخصیص یافت (Fort. 0328-101: 04-06). فرزندآوری، به‌ویژه تولد فرزند پسر، از دیرباز برای حکومت‌ها امری مهم و حیاتی محسوب می‌شده است. دادن امتیازات ویژه به زنانی که مادر می‌شدند و فرزند پسر به دنیا می‌آوردند، امری رایج بود؛ این زنان می‌توانستند سهم بیشتری از شراب و غلات دریافت کنند. در ادامه لوح بیان شده است که بیست لیتر شراب برای جیره ماه‌های نهم و دهم سال بیست‌ویکم به زیرمزیه^۵ که خزانه‌دار بود، تخصیص یافت (Fort. 0328-101). مقدار هزینه‌های ثبت شده به حساب سال بیستم منتقل شد و به‌عنوان پایه‌ای برای مدیریت منابع در سال‌های بعد مورد استفاده قرار گرفت (Fort. 0590-101: 13'-17').

1. Hyrcania
2. Skudrian
3. Pirratamka
4. Zibana
5. Zirmaziya

تخصیص شراب و غله از سمت ملکه آتوسا و مصرف آن تحت نظارت مسئولان مختلف، مانند شترمه^۱ و کیندده، نشان‌دهنده سیستم مدیریتی پیچیده و سازمان‌یافته است که در آن منابع مصرفی، به‌ویژه در مراسم‌های مهم درباری، به‌دقت کنترل می‌شدند (Fort. 0590-101: 24'-25'). باقی‌مانده شراب و غله که به سال بعد منتقل می‌شد، ممکن است به این دلیل بوده که این جشن‌ها در زمان خاصی برگزار نمی‌شدند و در سال‌های مختلف ادامه می‌یافتند. این متن به‌وضوح نشان می‌دهد ضیافت‌ها و مراسم‌های درباری نه‌تنها جنبه تفریحی، بلکه بعدی اداری و مدیریتی نیز داشتند که براساس نیازهای سالانه و تخصیص منابع به‌درستی برنامه‌ریزی و اجرا می‌شدند. نام شخص دیگری به نام کرکیش^۲ با لقب هتورمیش در این لوح دیده می‌شود، او مقدار نامعلومی شراب به‌عنوان جیره تکمیلی برای کارگران مستقر در ناحیه آنترتیش دریافت کرد. این کارگران تحت نظارت کیندده برای آتوسا کار می‌کردند (Fort. 0328-101: 18-20). در این سال، پرداخت پیشکش شامل چهار خمره بزرگ، هرکدام با ظرفیت چهارصد لیتر ثبت شده است. شراب زیادی که به ملکه آتوسا اختصاص یافته، احتمالاً برای برگزاری یک جشن یا ضیافت درباری بزرگ بوده است (Fort. 0328-101: 21-22). در بسیاری از موارد، ملکه‌ها در دربار هخامنشی نه‌تنها به‌عنوان همسر شاه، بلکه به‌عنوان شخصیت‌های مستقل در اجرای مراسم‌ها و جشن‌ها عمل می‌کردند. اختصاص چنین مقادیر زیادی شراب به ملکه، گواهی بر این است که این ضیافت‌ها ممکن است در مقیاس بزرگ و با حضور شخصیت‌های بلندپایه از سراسر شاهنشاهی برگزار شده باشد. این مراسم‌ها می‌توانستند فرصتی برای نمایش قدرت سیاسی و اجتماعی شاهنشاه و ملکه دربار باشند و درعین‌حال روابط دیپلماتیک با سایر سرزمین‌ها را تقویت کنند (Henkelman, 2021: 48-49). در ناحیه آنترتیش، گروهی پنجاه‌و‌دو نفره از کارگران، تحت نظارت مستقیم آتوسا، در فاصله زمانی بین ماه‌های سوم تا هفتم از سال بیست‌ویک سلطنت داریوش فعالیت می‌کردند. این کارگران به‌طور منظم جیره‌های خود را دریافت می‌کردند. میزان این جیره‌ها متغیر بود و بسته به جایگاه و وظایف هر فرد، از نیم لیتر تا سه لیتر شراب در روز متفاوت بود (Fort. 2173-101: 04-06, 07-09, 10-12, 13-15, 16-18). همچنین برای گروهی چهارده‌نفره از کارگران، گزارش‌هایی از جیره‌های روزانه بین نیم لیتر تا پنج لیتر شراب ثبت شده است (Fort. 2173-101: 03'-05'). افزون بر این، به دو نفر که گنجی را از ناحیه هیرکانی به روستای آنترتیش منتقل کرده بودند، مبالغ ویژه‌ای به‌عنوان دستمزد و جیره تعلق گرفته بود (Fort. 2173-101: 06'-09'). در این الواح، تفاوت جیره‌ها میان کارگران حوزه‌های مختلف

1. Šatarma
2. Karkšš

مانند ساخت‌وساز، کشاورزی و امور اداری، براساس نیازهای فیزیکی و سطح مسئولیت‌ها تعیین می‌شد. این نظام منصفانه در تضاد با تصویر تحریف‌شده مورخان یونانی از آتوسا است که او را زنی قدرت‌طلب معرفی کرده‌اند. اسناد نشان می‌دهد آتوسا مدیری کارآمد و عدالت‌محور بود که در تخصیص منابع، نیاز واقعی و شایستگی افراد را ملاک قرار می‌داد (Stolper, 2018: 463). نگارش دقیق این اسناد برای نظارت و ثبت منابع مالی، از جمله اهدافی چون جلوگیری از فساد، برنامه‌ریزی مالی بلندمدت و تضمین ثبات اقتصادی در ساختار پیچیده شاهنشاهی را دنبال می‌کرد (Stolper, 2018: 460).

۷. نتیجه‌گیری

مطالعه الواح اقتصادی تخت‌جمشید، به‌ویژه الواح مربوط به ناحیه آنترتیش نشان می‌دهد ملکه آتوسا نقشی فعال، دقیق و مسئولانه در ساختار دیوان‌سالاری هخامنشی ایفا می‌کرد. تخصیص منابع مانند غله و شراب، ثبت مصرف و مازاد سالانه، حمایت هدفمند از کارگران، زنان زایمان‌کرده و مأموران دولتی، همگی تحت نظارت مستقیم آتوسا و با مشارکت مقاماتی مانند کینده و رم‌تیش انجام می‌گرفت. این سطح از مسئولیت‌پذیری، تصویری بسیار متفاوت از روایت‌های مورخان یونانی ارائه می‌دهد. نکته مهم آن است که در هیچ‌یک از الواح اقتصادی و اداری موجود، نشانه‌ای از دخالت مستقیم آتوسا در مسائل سیاسی یا جانشینی خشیارشا دیده نمی‌شود. برخلاف گزارش‌هایی که در منابع متأخر یونانی به او نقش سیاسی پررنگ، به‌ویژه در زمینه جانشینی شاه، نسبت داده‌اند، هیچ سند عیلامی‌ای چنین نقشی را برای او ثبت نکرده است. این امر نشان می‌دهد کارکرد اصلی آتوسا در چارچوب وظایف اقتصادی، اجرایی و اداری تعریف می‌شده است، نه در سطح تصمیم‌گیری‌های سیاسی کلان. در واقع، شخصیت آتوسا در منابع یونانی و ایرانی به‌گونه‌ای متضاد بازنمایی شده است. در متونی مانند ایرانیان اثر آیسخولوس و تاریخ هرودوت، آتوسا زنی جاه‌طلب، دسیسه‌گر یا مادری نگران به تصویر کشیده می‌شود که داریوش را به جنگ تحریک می‌کند یا نقش احساسی در شکست خشیارشا دارد. در مقابل، اسناد عیلامی تصویر زنی مدیر، عدالت‌محور و کارآمد را ارائه می‌دهند که در چارچوب ساختار اداری امپراتوری هخامنشی، نقشی کلیدی اما تعریف‌شده و نظام‌مند ایفا می‌کرد.

۸. سپاسگزاری

با نهایت احترام و قدردانی، از دکتر یزدان صفایی صمیمانه سپاسگزاریم که با حمایت‌های بی‌دریغ و رهنمودهای ارزشمند خود، نقش مؤثری در ارتقای سطح علمی این پژوهش ایفا کردند.

۹. تعارض منافع

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه «فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی دختران کوروش بزرگ در الواح تخت‌جمشید» نویسنده اول در رشته تاریخ، گرایش تاریخ ایران قبل از اسلام در شهریور ماه ۱۴۰۳ با راهنمایی نویسنده دوم است.

References

- Aeschylus. (1977). *The Persians*. K. Khalili, Trans. Tehran: Soroush. (In Persian)
- Ahmadi, D. (2009). The status of Atossa in the history and mythology of Iran. *Nameh-ye Iran-e Bastan*, 9(1-2), 51-59. (In Persian)
- Aperghis, G. G. (1999). Storehouses and Systems at Persepolis: Evidence from the Persepolis Fortification Tablets. *Journal of the Economic and Social History of the Orient*, 42(2). <https://doi.org/10.4000/abstractairanica.36296>
- Arfaee, A. (2008). *The Geographical Background of the Persepolis Tablets* (Doctoral dissertation, University of Chicago, Department of Near Eastern Languages and Civilizations, Illinois) (AAT 3300414)
- Arfaee, A. (2008). *The Persepolis Fortification Tablets: Fort and Teh Texts*. Tehran: Markaz. (In Persian)
- Badamchi, H. (2016). The Babylonian cavalry in the Achaemenid army: Analysis of a Babylonian document on horse land. *Journal of Legal Research*, 275-277. (In Persian)
- Badamchi, H. (2017). *The Code of Hammurabi: Compilation and Translation from Akkadian Text*. Tehran: Negah-e Mo'aser. (In Persian)
- Briant, P. (1999). *History of the Achaemenid Empire from Cyrus to Alexander*, Volume 1. M. Saqebfar, Trans. Tehran: Toos. (In Persian)
- Brosius, M. (2010). *Women in Ancient Persia*. Translated by: H. Mashaiekh. Tehran: Hermess. (In Persian)
- Cook, J. M. (2004). *The Persian Empire*. Translated by: M. Saqebfar. Tehran: Ghoghnoos. (In Persian)
- Frye, R. N. (2009). *The Ancient History of Iran*. Translated by: M. Rajabnia. Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)

- Hallock, R. T. (1969). *Persepolis Fortification Tablets*. Chicago: The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Henkelman, W. (2021). Consumed before the King: The meals of Darius, Irtašuna, Arbabama, and Karkis, the administrators of Darius. *The King and Elites in the Achaemenid Empire* (Y. Safaee & H. R. Nikrosh, Trans., pp. 41–123). Tehran: National Museum of Iran. (In Persian)
- Henkelman, W. F. (2008). *The Other Gods Who Are: Studies in Elamite-Iranian Acculturation based on the Persepolis Fortification Texts*. Achaemenid History 14. Leiden: Nederlands Instituut voor het Nabije Oosten.
- Henkelman, W. F. (2011). Xerxes, Atossa and the Persepolis Fortification Archive. *Annual Report 2010*, Leiden/Istanbul, 27–33.
<https://doi.org/10.4000/abstractairanica.40294>
- Henkelman, W. F., & Stolper, M. W. (2009). Ethnic Identity and Ethnic Labelling at Persepolis: The Case of the Skudrians. In P. Briant & M. Chauveau (Eds.), *Organisation des pouvoirs et contacts culturels dans les pays de l'empire achéménide (Persika 14)*, 271–329.
- Herodotus. (2010). *The Histories: Books One and Two*. Translated by: M. Saqebfar. Tehran: Asatir Publications. (In Persian)
- Hinze, W. (2008). *Darius and the Persians: History, Culture, and Civilization of the Achaemenids*. Translated by: P. Rajabi. Tehran: Mahi. (In Persian)
- Joannes, F., & Lemaire, A. (1996). Contrats babyloniens d'époque achéménide du Bit-Abi Râm avec une épigraphe araméenne. *Revue d'Assyriologie et d'archéologie orientale*, 90(1), 41–60.
- Koch, H. M. (2007). *From the Language of Darius*. Translated by: P. Rajabi. Tehran: Karang. (In Persian)
- Mossahab, G. (1979–2010). *The Persian Encyclopedia (Vol. 1)*. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Plato (2002). *Symposium of Plato: A Lesson of Love from Plato*. Translated by: M. Sanaei. Edited by F. Jahanbakhsh. Tehran: Farhang. (In Persian)
- Safaee, Y. (2016). Achaemenid women: putting the Greek image to the test. *Talanta*, (48-49), pp-101.
- Sancisi-Weerdenburg, H. (1993). Exit Atossa: Images of Women in Greek Historiography on Persia. In *Images of Women in Antiquity*. Oxford: Routledge.

- Sharp, R. N. (2003). *The Decrees of the Kings of the Achaemenid Empire*. Tehran: Pazineh. (In Persian)
- Stolper, M. W. (2018). Atossa Re-enters: Cyrus's Other Daughter in Persepolis Fortification Texts. In S. Gondet & E. Haerinck (Eds.), *L'Orient est son jardin. Hommage à Remy Boucharlat*, 449–466. Leuven: Peeters Publishers. <https://doi.org/10.2307/j.ctv1q26s47.40>
- Strabo (2003). *The Geography of Strabo: The Lands under the Rule of the Achaemenids*. Translated by: H. San'atizade. Tehran: The tountat ton of Dr. Mahmoud Afshar's wnwownments (In Persian)
- Tavernier, J. (2007). *Iranica in the Achaemenid period (ca. 550-330 BC): Lexicon of Old Iranian proper names and loanwords, attested in non-Iranian texts* (Vol. 158). Peeters Publishers. <http://dx.doi.org/10.1086/664512>

